

## تهران با همکاری مردم مدیریت شد

متن کامل گفت‌وگوی خبرنگار دو هفته نامه مشق آفتاب با محمد توسلی

اولین شهردار تهران پس از انقلاب

۸۷/۱۱/۱۲، سید محمد حسین هاشمی

تهران پس از انقلاب یک شهر جنگزده بود. از بی نظمی و بی‌برنامگی شهر گرفته تا دیوارنوشته‌ها، از خیابان‌های پر از پستی و بلندی، همه و همه تاوانی بود که مردم پایتخت برای رسیدن به روزگاران بهتر دادند. شهر از حالت عادی خود خارج شده بود. اصلاً هیچ کس نمی‌خواست که این مسوولیت سخت را بپذیرد. دولت موقت شخصی را برای این مسوولیت انتخاب کرد که پیش از انقلاب با مسایل شهر تهران آشنا بود و در جریان فعالیت‌های دوران انقلاب بود از جمله مسوولیت تبلیغات ستاد راهپیمایی‌ها را داشت. در دولت موقت مسوولیت تدوین پیش‌نویس اولین اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر عهده گرفت. اصلاً هم او بود که نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به جای گارد ملی گذاشت. با این وجود وقتی هفتم اسفند مسوولیت مدیریت تهران را به او دادند، به قول خودش تمام فعالیت سیاسی‌اش را کنار گذاشت و به خدمت مردم پرداخت. حتی آنهایی را که در سازمان‌های خود کار سیاسی می‌کردند را اکنون نقد می‌کند و گردن را بالا می‌گیرد که در دوره مدیریت شهری‌اش هیچ فعالیت سیاسی نداشته اما با او نهایتاً سیاسی برخورد شد. همین اتفاقات و تمام آنچه در دوره مدیریت او تهران را متحول کرد باعث شد تا با محمد توسلی، اولین شهردار تهران بعد از انقلاب به گفت‌وگو بنشینیم و از فرآیند فعالیت‌های او در این مدت پرس و جو کنیم.

### هرج و مرج آن دوره تهران چطور رنگ آرامش گرفت؟

در طول سال ۵۷، شهر تهران کانون مبارزات ملت و مرکزیت مدیریت انقلاب بود. از برخوردهای خشونت‌آمیزی که در ۱۷ شهریور در میدان ژاله سابق و شهدای امروز گرفته تا درگیری‌های گسترده که بعد از آن شکست برنامه دولت حکومت نظامی بین فرماندهان نظامی و مردم صورت گرفت از تهران شهری جنگزده را ساخت که بخشیدن آرامش به آن کار ساده‌ای نبود. از زمانی هم که محمدرضا پهلوی رفت و به خصوص در ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ شرایط تهران دیگر هیچ رابطه‌ای با پایتخت نداشت. سنگربندی‌های

مختلفی که تهران را محصور کرده بودند، لاستیک‌هایی که در خیابان‌های تهران سوزانده شده بود و دیوارنوشته‌های تهران، همه سیمای تهران را غیر قابل پذیرش کرده بود. در این شرایط نه نیروی نظامی آن‌طور که باید و شاید شکل گرفته بود و نه نیروهای اطلاعاتی از قدرت کافی برخوردار بودند. آن دوره من و معاونانم مجبور بودیم تا تهران را با کمک مردم و نیروهای انقلابی که خرسند از انقلاب بودند، اداره و آرام کنیم.

**اما مردم در آن دوره به مدیران نگاه خوبی نداشتند. از شهرداری هم چندان رضایت نداشتند.**

این یکی از بزرگترین مشکلاتمان در دوران سازندگی دوباره تهران بود. در کنار نارضایتی مردم از مسوولان زمان شاه، شهرداری تهران هم به این دلیل که ماه‌های آخر حکومت پهلوی، خانه‌های حریم تهران را تخریب کرده بود، مورد توجه مردم نبود. در آن دوره شهرداری به هیچ عنوان سازمان خوشنامی نبود و کارکنان آن هم در میان مردم از جایگاه نامناسبی برخوردار بودند. این موضوع تا جایی پیش رفته بود که کارمندان شهرداری برای ازدواج هم مشکل داشتند. با این حال فضای اجتماعی آن دوران و اینکه مردم انقلاب را از آن خود می‌دانستند و با تمام وجود مدیران جدید را باور داشتند با ایثاری مثال زدنی تمام امکانات خود را در اختیار شهرداری گذاشتند.

### **یعنی شهر را خود مردم پاکسازی کردند؟**

سیاستی که برای پاکسازی شهر استفاده کردیم، بهره‌گیری از آداب و رسوم مردم در روزهای پایانی سال بود. مردم ایران بر اساس آداب و رسوم خود، روزهای پایانی سال را به خانه‌تکانی می‌پردازند. بر همین اساس از آنها خواستیم تا شهر را در آخرین جمعه سال پاکسازی کنند. آخرین جمعه سال را روز پاکسازی تهران نامیدیم. تمام نیروهای شهرداری را بسیج کردیم تا در کنار مردم که از آنها خواسته بودیم از مقابل منزل خود پاکسازی را آغاز کنند و این امر را تا خیابان‌ها ادامه دهند به پاکسازی شهر بپردازند.

### **همکاری مردم مناسب بود؟**

واقعاً فکر نمی‌کردیم که مردم با این شوق و ذوق در برنامه پاکسازی شهر مشارکت کنند. مردم آنچنان با شوق و اشتیاق به خیابان‌ها آمدند که یک فضای کاملاً استثنایی خلق شد.

حتی بسیاری از مسوولان هم به خیابان‌ها آمدند و در کنار مردم پاکسازی تهران را انجام دادند. حتی آیت‌الله طالقانی هم با جارو به خیابان آمدند و با مردم مشارکت کردند.

**بعد از ثبات و پاکسازی تهران اولین فعالیتی که در شهرداری انجام دادید در چه حوزه‌ای بود؟**

اولین فعالیت اصلی را در حوزه ترافیک شهر متمرکز کردیم. در برنامه کوتاه مدت، از هفته‌های اول اسفند ماه برای کاهش مشکل ترافیک شهر تهران گروه کارشناسی تشکیل شد. بعد از شش ماه کار کارشناسی، طرح محدوده طرح ترافیک مرکزی تهران را که اکنون هم از آن طریق ترافیک این منطقه کنترل می‌شود، ارائه و مورد عمل قرار گرفت. همین طرحی که پس از سی سال امروز به عنوان یک ضرورت اجرا می‌شود.

**جزئیات آن را خاطرتان هست؟**

اساس این طرح این بود که ۵۰ خیابان مرکزی شهر همزمان یکطرفه و در آنها خط ویژه اتوبوسرانی احداث شود. این کار در شرایط عادی به لحاظ کارشناسی قابل توجیه نبود. به همین دلیل برخی از کارشناسان آنرا غیر عملی می‌دانستند. کار کارشناسی و اطلاع رسانی طی چند مصاحبه و در نهایت سخنرانی توضیحی آیت‌الله طالقانی در نماز جمعه باعث شد تا این طرح بطور کامل با همکاری مردم اجرایی شود. در روز اجرای طرح حتی یک مورد تخلف نیز گزارش نشد.

**شما فردی بودید که اعلام کردید شهردار تهران را باید مردم تعیین کنند. علت خاصی داشت؟**

فکر می‌کردیم شهردار تهران را پس از استقرار نظام باید خود مردم انتخاب کنند. ما در واقع منتخب دولت بودیم. شهر متعلق به شهروندان است و طبیعی است که شهردار باید با انتخاب آنان باشد. مردم حق داشتند و باید خودشان برای مدیر شهرشان تصمیم می‌گرفتند. به همین دلیل از اسفند ۵۷ بحث شوراها را دنبال کردیم. گروهی از کارشناسان خبره در مسائل مدیریت اجتماعی انتخاب شدند. در این خصوص کارهای کارشناسی انجام گرفت. قانون و آیین‌نامه‌های لازم تهیه شد و به شورای انقلاب رفت. به موازات این کار انجمن‌های محلی را با نیروهای داوطلب شکل دادیم. در بسیاری از محلات مردم به صورت خودجوش بازوهای اجرایی کمک‌کننده شهرداری را تشکیل دادند. اما به دلایل مختلف، که می‌تواند جداگانه مورد بررسی قرار گیرد، قانون شوراها که در قانون

اساسی نیز اصولی به آن اخصاص یافت اجرا نشد تا در دوره اصلاحات دوباره به جریان افتاد.

شما قبل و چند ماه پس از انقلاب چهره‌ای سیاسی بودید. حتی در انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی هم شرکت کردید. فضای شهرداری آن دوره را هم سیاسی کرده بودید؟

پس از پیروزی انقلاب بر اساس تعهدی که مرحوم مهندس بازرگان بهنگام پذیرش مسئولیت دولت موقت کرده بودند ما تمام وقت خود را به خدمات مدیریت شهر تهران محدود کردیم و عملاً ارتباط تشکیلاتی ما با سازمان سیاسی خودمان قطع شد. در آن دوره خیلی‌ها از موقعیت مدیریتی خود استفاده کردند تا به مسائل سیاسی خود بپردازند. آن روزها حتی برخی از مسوولان در اتاق کار خود، جلسات حزبی خودشان را هم برگزار می‌کردند. کاری که به زعم من به مصلحت نبود. بر این اساس تا زمان انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی که نام من در فهرست یکی از ائتلاف‌ها درج شده بود عموماً از پیوند سیاسی خاص من مطلع نبودند. البته به دلیل نمایندگی دولت انقلاب در شهرداری تهران و برنامه‌های در دست اقدام دوبار با تحریک عناصر مخالف انقلاب بنده را، در اتاق کاری، که آن دوره در خیابان ایرانشهر کنونی و ساختمان فعلی معاونت شهرسازی و معماری بود، گروگان گرفتند.

در دوران پس از انقلاب نامگذاری خیابان‌های تهران از مهمترین موضوعات مورد توجه بود. این فرآیند چطور مدیریت شد؟

پس از انقلاب مردم انتظار داشتند تا اسامی شهر با فرهنگ انقلاب هماهنگ شود. به همین دلیل یک شورای نام‌گذاری در معاونت اجتماعی شهرداری تشکیل شد. در این شورا افراد مختلفی از تمام طیف‌های حاضر در انقلاب حضور داشتند و با توجه به نظرات مردم و ضوابط تعیین شده این نامگذاری‌ها را انجام دادند.

### قضیه ضوابط چیست؟

بر اساس این ضوابط بنا شده بود تا اسامی که برای خیابان‌های شهر انتخاب می‌شوند متأثر از فرهنگ و ارزش‌های انقلاب و مستقل از گرایش‌های فکری باشد. در این ضوابط تعیین شده بود تا از نام هیچ کدام از افراد در قید حیات استفاده نشود و تمام آنهایی که

در عرصه ملی و اسلامی، به انقلاب خدمت کرده و از دنیا رفته بودند از نامشان در نامگذاری ها استفاده شود. همچنین بنا شد تا اسامی کوتاه و سهل باشد و از تمام نام‌های مورد نظر مردم که در این چارچوب قرار داشتند نیز استفاده شود. در همین راستا بعضی از خیابان‌ها فرهنگ انقلاب را نشان می‌دادند. خیابان‌هایی مانند آزادی، استقلال، انقلاب، بعثت، پاسداران، پیام، توحید، جمهوری، شهدا و قدس. بعضی دیگر به نام شخصیت‌های ملی و اسلامی ۲۰۰ سال اخیر ایران اختصاص یافتند. افرادی مثل جلال آل‌احمد، سید جمال‌الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری، صمد بهرنگی، مصطفی خمینی، ستارخان، شریعتی، عراقی، کاشانی، فاطمی، قریب و مدرس. بعضی از خیابان‌ها را هم به شخصیت‌های تاریخی نسبت دادیم. افرادی مانند سهروردی، مالک اشتر، میرداماد و یاسر. بعضی از خیابان‌ها را به حوادث تاریخی اختصاص دادیم مثل ۱۷ شهریور و ۳۰ تیر، بعضی نام شهرهای دیگر کشورها بود مثل نوفل لوشاتو که محل اقامت حضرت امام (ره) بود، بعضی محتوایی بود مانند میدان امام حسین، انقلاب و آزادی در یک راستا.

#### موضوع نامگذاری خیابان شریعتی سیاسی نبود؟

نه اصلاً اینطور نیست. خود مردم پس از راهپیمایی تاسوعا بر دیوارهای این خیابان نام آیت الله طالقانی را نوشتند. نظر به اینکه این نظر مردم با ضابطه شورای نامگذاری هماهنگ نبود به همین دلیل با ایشان صحبت کردیم. ایشان فرمودند موضوع چیست گفتیم شورا می‌خواهند این خیابان شریعتی باشد، زیرا حسینیه ارشاد که در فرایند انقلاب نقش موثری داشته است در این خیابان قرار دارد. ایشان ضمن تایید ضوابط مذکور با جایگزینی نام دکتر شریعتی بجای نام خودشان به گرمی استقبال کردند. حال بگذریم از اینکه برخی در طول سال‌های گذشته می‌خواستند نام این خیابان را تغییر دهند.

#### پس چرا نام خیابان مصدق تغییر کرد؟

این خیابان پیش از انقلاب پهلوی نام داشت. مردم در طول راهپیمایی ها نام مصدق را بر دیوار این خیابان نوشته بودند. حتی در چهارراه پهلوی هم نوشته بودند چهارراه مصدق. شورای نامگذاری این خواست مردم را تایید کرد زیرا طبق ضوابط بود. اما پس از سال ۱۳۶۰ در پی سخنرانی یکی از وعاظ معروف تهران در پیش خطبه نماز جمعه دانشگاه تهران نام ولیعصر را بر آن نهادند که هیچ کس نمی‌توانست روی آن حرفی بزند.

امام در آن دوره خیابانی نداشت. این به دلیل در قید حیات بودن ایشان بود؟  
دقیقاً رعایت همین ضابطه باعث شده بود که نام امام بر خیابانی نباشد.

اما اینکه مشکل آفرین بود. مشکلی برایتان پیش نیامد؟

چرا. روزی آمدند و گفتند که چه نشستید که در قم اعتراض شده که همه شهرها بهترین خیابان‌هایشان را به نام امام گذاشته‌اند جز تهران. این گزارش گزارش مهمی بود که باید رسیدگی می‌شد. در شورای نام‌گذاری مطرح شد و توصیه شد که با مرحوم طالقانی در این مورد مذاکره شود. چرا که ایشان هم در قید حیات بودند و به همین دلیل نام ایشان در خیابانی استفاده نشده بود. ایشان گفتند در این مورد شما بایستی استئنا قایل شوید. ما به این دلیل که امام پیش از آمدنشان به ایران فرموده بودند که دوست دارند در مرکز شهر اقامت داشته باشند میدان اصلی مرکز شهر (سپه) و خیابانی در مرکز شهر را به این نام انتخاب کردیم. به مرحوم حاج احمد آقا گفتیم. ایشان گفتند خبر می‌دهم. نیم ساعت بعد تماس گرفتند و گفتند خوب است و انجام شود.

تمام این حرف‌ها نشان‌دهنده این بود که شما مشکلی برای حضور در شهرداری نداشتید؟ چرا این سازمان را ترک کردید؟

بعد از انقلاب در دوره دولت موقت به جهت ارتباط نزدیکی که با مرحوم بازرگان و وزرای دولت موقت داشتیم هیچ مشکلی برای حضور در شهرداری نبود. تمام کارها به راحتی پیش می‌رفت. بعد از پایان دولت موقت در زمان دولت آقای بنی‌صدر تصمیم گرفتم تا استعفا کنم و وی هر کسی را که مورد قبولشان است به سمت شهردار تهران منصوب کنند. اما نظر او این بود که من بمانم و به خدماتم ادامه بدهم. من از او خواستم تا اگر بنا به ماندن است همه مدیران دولت باید همکاری داشته باشند. بنی‌صدر هم پذیرفت و کارها در آن دوره هم به خوبی گذشت. پس از بنی‌صدر در زمانی که بنا شد شهید رجایی کاندیدای ریاست جمهوری شود به جهت دوستی بسیار نزدیکی که با او داشتم، پیشنهاد کردم تا در انتخابات شرکت نکند. با این وجود ایشان در انتخابات شرکت کردند و رییس جمهور شدند. من هم مجدداً استعفا دادم تا ایشان در انتخاب شهردار تهران مختار باشند. اما رجایی هم نپذیرفت و قول داد تا هیئت دولت را مقید کند تا از شهرداری حمایت کنند. در ابتدای امر، دولت با شهرداری همراهی می‌کرد. اما پس از مدتی یکی از وزرای کابینه مرحوم رجایی، با مترو تهران مخالفت کرد و گفت که در

شرایطی که مردم سیستان و بلوچستان از گرسنگی رو به مرگ هستند، دلیلی ندارد تهران مترو داشته باشد. جلسه کارشناسی برگزار شد تا کمیته فنی دولت توجیه شود. به رغم پذیرش کمیته مذکور وزیر یاد شده دوباره اعتراض خو را تکرار کرد و همین عامل باعث شد تا مشکلات شهرداری و دولت مرا به استعفا نزدیک کند.

**اما یک نکته در انتها؛ جریان تغییر ساختمان شهرداری چه بود؟**

در ابتدای انقلاب شهرداری تهران در نقاط مختلف پایتخت، چندین ساختمان داشت. شهردار در ساختمان کنونی معاونت شهرسازی و معماری حضور داشت. معاونت‌ها هر کدام در نقطه‌ای از شهر پراکنده بودند. به همین دلیل پیشنهاد کردم که ساختمان کنونی وزارت کشور را که برای حزب رستاخیز در دست ساخت بود در اختیار مردم شهر تهران قرار گیرد. این ساختمان نیمه‌کاره بود. ما این ساختمان را با همکاری پیمانکاران و گروه پیگیری کامل کردیم. تمام وسایل و تجهیزات آن که از خارج سفارش داده شده بود و به گمرکها رسیده بود ترخیص و ساختمان آماده بهره برداری شد. و حدود پنج هزار کارمندان شهرداری را در آن جمع کردیم. اما چندی بعد که در مرکز شهر بمبی منفجر شد به دستور آقای ناطق نوری وزیر کشور وقت ساختمان وزارت کشور که در خیابان بهشت، محل کنونی شهرداری بود را تخلیه و کارمندان وزارت کشور به این ساختمان منتقل شدند. پیامد این تصمیم موجب شد تا ۵۰۰ نفر کارکنان وزارت کشور به ساختمان فاطمی بیایند و ۵ هزار کارمند شهرداری مجدداً در تهران پراکنده شوند.